

تجلی شیرازی

شرح احوال و معرفی آثار او

جمشید مظاهری*

شهلا حاج طالبی**

چکیده

مقاله حاضر نگاهی است بر زندگی و شعر میرزا علی رضا تجلی شیرازی (اردکانی)، از علما و شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری و معرفی ده نسخه خطی از دو مثنوی *معراج الخیال* و *وصف کشمیر*، *دیوان اشعار* وی. این مقاله شامل مقدمه، پیشینه تحقیق، زندگی و روزگار تجلی، معرفی آثار، نسخ خطی، سبک شعری و ویژگیهای آن، وزن شعر، قافیه و ردیف، شاعران هم عصر تجلی، و نتیجه گیری است. این شاعر پیرو سبک هندی، در اردکان فارس به دنیا آمد، مدتی در اصفهان زیست، سفری به هند کرد و سرانجام به زادگاهش بازگشت. از وی آثاری به نظم و نثر باقی مانده است که بخشی از آنها به چاپ رسیده و بخشی دیگر هنوز نشر نیافته است.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

hajtalebi@yahoo.com

محور اصلی این مقاله معرفی نسخه‌های خطی دو مثنوی معراج‌الخیال و وصف کشمیر و دیوان/شعار این شاعر است.

واژه‌های کلیدی: شعر فارسی، تصحیح، نسخه خطی، تجلی شیرازی، سبک هندی، معراج‌الخیال، وصف کشمیر.

مقدمه

دوره صفویه که از اوایل قرن دهم تا اواسط قرن دوازدهم، یعنی دو قرن و نیم طول کشیده، از نظرتازگی و غرابت اشعار، به کلی از دوره‌های دیگر متمایز است. برخی محققان این عصر را از اعصار مهم ادبی به شمار آورده‌اند و معتقدند آثار منظومی که از طبع خیالپرور و باریک‌اندیش شعرای این دوره تراوش کرده، از هر حیث قابل مطالعه است. (نک: مؤتمن ۱۳۳۹: ۳۴۴). بنا بر این نسخ خطی باقیمانده از این دوره بخشی از تاریخ فرهنگی ایران است که احیا و معرفی آن کاری بس ارجمند می‌نماید.

از جمله نسخ خطی ارزشمند این عصر، دو مثنوی «معراج‌الخیال»، «وصف کشمیر» و «دیوان اشعار» میرزا علی‌رضا تجلی شیرازی اردکانی، شاعر و عارف پیرو سبک هندی، است که بنا بر تحقیقات صورت گرفته، تاکنون تصحیح جامع و منقحی از این آثار انجام نگرفته است. اما همان‌طور که پس از این خواهد آمد، مثنوی «معراج‌الخیال»، یک بار در سال ۱۳۴۳ق و به قولی ۱۳۱۳ق در بمبئی هند چاپ سنگی شده و مرتبه‌ای دیگر محسن ناجی نصرآبادی تصحیحی از این مثنوی را با مقابله یک نسخه و یک متن چاپی انجام داده است: نسخه خطی بخشی از جنگ به شماره ۴۴۹۲ موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی است و متن چاپی تذکره شعرای کشمیر که در تعلیقات آن ابیاتی از «معراج‌الخیال» آمده است. این تصحیح در مجموعه رسایل فارسی (دفتر سوم) چاپ شده است.

زندگی و روزگار تجلی

میرزا علی‌رضا تجلی شیرازی فرزند کمال‌الدین حسین، از علمای نیمه دوم قرن یازدهم هجری است. از تاریخ تولد وی اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما با توجه به سخن شاملو در *قصص الخاقانی* (تألیف ۱۰۷۳-۱۰۷۷ق) که می‌گوید: سن او در این ولا تقریباً در عقد چهل است (شاملو، ج ۲، ص ۹۴)، به نظر می‌رسد تولد شاعر بین سالهای ۱۰۳۳-۱۰۳۷ق اتفاق افتاده باشد. در باره نسبت وی به اردکان یزد و فارس نیز اختلاف قول وجود دارد. برخی تذکرها از جمله *منتخب اللطایف* (ایمان، منتخب، ص ۱۸۶). و *ریاض الشعرا* (واله، ریاض، ج ۱، ص ۴۴۲) به علت وجود شهرستانی به همین نام در استان یزد، او را یزدی‌تبار می‌دانند؛ در صورتی که یکی از بخشهای استان فارس نیز به همین نام است و از آنجا که شاعر خود را شیرازی و جانشین عرفی شیرازی معرفی می‌کند، نسبت وی به اردکان فارس مسلم است:

که اینک چون تجلی بازی از شیراز می‌آید

چه شد گر همچو عرفی بلبلی کم‌شد ز هندستان

(گ ۲۹۰، بیت ۳)^۱

او از کدخدازادگان فارس بود که به قصد تحصیل از اردکان فارس به اصفهان عزیمت کرد. مدتی در محضر آقا حسین خوانساری^۲ به کسب کمالات اشتغال داشت و گاهی به سرودن شعر می‌پرداخت و «تجلی» نام شعری اوست.

نصرآبادی او را آراسته به فضایل نفسانی و کمالات روحانی توصیف می‌کند و می‌گوید:

شمع شعورش بزم قدسیان را منور ساخته و چراغ کمالاتش در محفل

روحانیان پرتوافکن است و در مجلسی که افاده سخن می‌نماید، فحول علما را

قدرت دم‌زدن نیست. در کمال پاکی طینت و پرهیزگاری است (نصرآبادی،

تذکره، ص ۱۶۸).

در زمانی که سفر به هند مایه کمال و نام آوری شاعران ایرانی بود و سلاطین بایری به شاعران و ادیبان ایرانی توجه خاص نشان می دادند، تجلی به هندوستان رفت:

در آنجا به تعلیم ابراهیم خان ولد علیمردان خان مشغول بود. مشارالیه و سایر امرا کمال مهربانی به او داشتند. باز شوق ایران و مؤانست دوستان باعث شده به اصفهان مراجعت کنند (همانجا).

در اصفهان مورد توجه شاه عباس دوم — که خود شاعر بود و ثانی تخلص می کرد — و شاه سلیمان صفوی قرار گرفت و در سمت منشی گری به خدمت شاه عباس منصوب شد. به سبب مقام علمی اش به شهرت رسید و مدرس مدرسه والده شد. شاه عباس به سال ۱۰۷۲ ق محلی را در اردکان به رسم سیورغال^۳ بدو واگذاشت و او در همان حالی که حوزه درسی خود را اداره می کرد به تألیف و تصنیف و سرودن شعر نیز سرگرم بود؛ با این حال پس از چند سال مسند تدریس را رها کرد، به مکه و از آنجا به شیراز رفت و در همانجا بود تا اینکه به سال ۱۰۸۵ ق بدرود حیات گفت (نک: صفا ۱۳۷۳: ۳۱۷/۵).

صاحب مخزن الغرایب می نویسد: «گویند پدرش اعمی و دهقان بود و برای دیدن پسر از ولایت به هند آمد» (هاشمی سندیلوی، مخزن، ص ۴۲۱).

بنا بر تذکره شعرای کشمیر شاعر فرزندی به نام میرزا عبدالهادی داشته که او نیز از طبع شعر برخوردار بوده است. صاحب این تذکره در باره او می نویسد: راهبر طریق استادی، میرزا عبدالهادی، پسر ملا علی رضای تجلی، طبع هدایت توأمانش غول نژادان صحرای افکار سخن سنجی را به صراط مستقیم افزار معنی طرازی ثابت قدم گردانید (اصلح، تذکره، ص ۵۳۶).

سپس چند بیت شعر از او نقل می کند که بیت زیر، یکی از آنهاست:

مرا از آب، چون یاقوت آتش در گریبان است

ز پهلوی هنر، هر بی کمالم، دشمن جان است

(همانجا)

آثار

همان‌طور که بیان گردید، تجلی از علما و شعرای مشهور زمان خود بود و آثاری به نظم و نثر از وی باقی مانده است که به دو دسته چاپ شده و خطی تقسیم می‌گردد:

چاپ شده

۱. حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق تفتازانی (در علم منطق) که در میان طلاب علوم دینی شهرت دارد. این کتاب بارها به چاپ رسیده است، از جمله: تهران، ۱۲۸۲ق، سنگی، وزیری (مشار ۱۳۵۱: ۱۷۰۸/۲).
۲. سفینة النجاة. رساله‌ای در باره اصول عقاید شیعه، خاصه در باره امامت، در سه مقام و یک خاتمه. سه مقام آن عبارت‌اند از: خداشناسی، در دو سپاس: واجب الوجود و صفات او. پیامبری، در یک خاتمه و چهار رکن. امامت، در دوازده اصل که مؤلف بیشتر به شرح و بسط این مقام پرداخته است. این کتاب را تجلی در سال ۱۰۶۷ق در هند به انجام رسانده است که به صورت سنگی در سالهای ۱۲۶۳ق در تهران و ۱۳۰۶ق در بمبئی به چاپ رسیده است (منزوی ۱۳۸۳: ۳۴۸/۹).
۳. مثنوی قضا و قدر. چاپ سنگی، کانپور، ۱۲۸۳، وزیری، در ۱۷ صفحه (مشار ۱۳۵۳: ۴۵۱۷/۴).
۴. معراج الخیال. چاپ سنگی، بمبئی ۱۳۴۳ق. البته در تاریخ چاپ این کتاب بین سال ۱۳۴۳ و ۱۳۱۳ق اختلاف قول وجود دارد. از جمله در کتاب الدرر (آقابرگ ۱۳۳۲: ۱۶۷/۹) و کاروان هند (گلچین معانی ۱۳۶۹: ۲۰۴/۱) ۱۳۱۳ق مذکور است و در فهرست کتابهای چایی خانباا مشار سال ۱۳۴۳ق آمده است. در ضمن در کتاب مشار این اثر به نام «رجب علی سبزواری» ثبت شده است (مشار ۱۳۵۳: ۴۸۱۵/۴). و محمود مدبری نیز در فرهنگ کتابهای چایی فارسی، مثنوی معراج الخیال را از میرزا علی‌رضا اردکانی، تجلی، از علمای قرن یازدهم،

می‌داند و تاریخ چاپ آن را ۱۳۴۳ ق ذکر می‌کند (مدبری ۱۳۶۴: ۱/۶۲۵).
 معراج‌الخیال در ۲۵۱ بیت (مطابق نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی) بحر رمل
 مسدس محذوف (مقصور) با محتوای عرفانی در باره حالات درونی شیفتگان حق
 سروده شده است. وجود نسخه‌های خطی فراوان از این اثر در کتابخانه‌های داخل
 و خارج از کشور، بیانگر آن است که این مثنوی بسیار مورد توجه بوده است.

این مثنوی عناوینی از قبیل مناجات، صواب‌اندیشی هوس، جواب هوس،
 مصلحت‌اندیشی جنون، مصلحت‌دیدن عقل، وصف عیش و... را دارد و در آغاز
 آن از عشق سخن می‌گوید:

ریخت طرح آشیان از خارخار بر سرم دیگر همای عشق یار
 (گ ۲۴۳، بیت ۱)

سپس به تفصیل به توصیف معشوق می‌پردازد:
 کز رخس برقع بود صبح بهار... دلبری برد از دلم صبر و قرار
 (گ ۲۴۴، بیت ۴)

پس از آن، برای رسیدن به وصال یار، ابتدا از هوس یاری می‌خواهد:
 چون غریقی کاو مدد جوید ز خس جستم اول چاره کار از هوس
 (گ ۲۴۶، الف، بیت ۱۲)

هوس او را به عقل حواله می‌دهد:
 زانکه عقل آینه صنع خداست از خرد امداد اگر جویی رواست
 (گ ۲۴۷، الف، بیت ۴)

و خرد نیز خود را در برابر عشق ناتوان می‌داند و او را به جنون می‌خواند:
 تا ز باغ وصل جانان برخوری در جنون آویز و کم کن داوری
 (گ ۲۴۸، الف، بیت ۱۰)

وی در عالم جنون به عشق دست می‌یابد و به نیروی عشق به وصال یار می‌رسد:

جذبه‌اش هر سو کمند انداز شد بهر دردم عشق در مانساز شد

(گ ۲۵۲، بیت ۱)

شاعر در نهایت نتیجه می‌گیرد که جان انسان در جست‌وجوی عشق است و حتی عشق مجازی می‌تواند راهنمای انسان برای رسیدن به عشق حقیقی باشد.
خطی

۱. ترجمه متن عهدنامه مالک اشتر. این کتاب، متن عهد حضرت علی (ع) است با مالک اشتر در کشورداری و رفتار با مردمان که مؤلف برای شیخ علی‌خان نوشته و ستایش شاه سلیمان صفوی را نیز به آن افزوده است که نسخه‌ای از آن به شماره ۲۴۶۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (منزوی ۱۳۴۹: ۱۵۷۳/۲).

۲. ترجمه قرآن کریم به فارسی، با عنوان ترجمه سلطانی که در سال ۱۰۸۴ ق برای شاه سلیمان نگاشته است و نسخه آن به شماره ۳۳۸ در دارالکتب قاهره موجود است (منزوی ۱۳۴۸: ۵۱/۱).

۳. تفسیر سلیمانی. این کتاب تفسیری است بر قرآن کریم که مؤلف آن را به شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) پیشکش کرده است. نسخه آن به شماره ۶۰۲ در کتابخانه مهدوی موجود است (استوری ۱۳۶۲: ۱۸۹/۱).

۴. رساله‌ای در منع نماز آدینه در زمان غیبت امام زمان (عج) که ملا محمد گیلانی معروف به «سراب» رساله‌ای در رد آن نوشته است و نسخه آن به شماره ۴۶۵۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (دانش‌پژوه ۱۳۴۰: ۳۶۰۳/۱۴).

۵. صحه النظر فی تحقیق الفرقه الناجیه الاثنی عشر که نسخه‌ای از آن به شماره ۳۲۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (همان: ۲۱۶۷/۱۱).

۶. «مثنوی بهاریه» که نسخه آن به شماره ۲۳۵ در کتابخانه رضویه موجود است (منزوی ۱۳۵۱: ۲۶۷۰/۴).

۷. «مثنوی وصف کشمیر». این مثنوی در بحر هزج مسدس محذوف است که بر اساس نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی در ۱۰۵ بیت سروده شده است.

شاعر به این دلیل به وصف کشمیر پرداخته که او را به یاد اصفهان و شیراز انداخته است:

دهد چون یاد از اصفهان و شیراز به وصف این چمن گرم سخن ساز
(گ ۲۵۴ الف، بیت ۸)

در مثنوی «وصف کشمیر» نخست شاعر از خداوند سوز درد (عشق) و بیانی مصفا خواسته است تا بتواند کوه کشمیر و راه آن را توصیف کند. ابیات آغازین این مثنوی یادآور سخن «وحشی بافقی» در مقدمه فرهاد و شیرین است که برای مقایسه چند بیتی آورده می‌شود:

تجلی:

که دریا بم خزان رنگ زردی خدایا روزیم کن سوز دردی
بیفشان تخم عشقی بر غبارم ز بی‌دردی مشوش گشته کارم...
ز شوق خاطر را منبسط ساز که با مشیت غمت گرم هماواز
(گ ۲۵۴ الف، بیت‌های ۱، ۲ و ۷)

وحشی بافقی:

در آن سینه دلی وان دل همه سوز الهی سینه‌ای ده آتش افروز
دل افسرده غیر از آب و گل نیست هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست
زبانم کن به گفتن آتش‌آلود... دلم پر شعله گردان سینه پر دود

(وحشی، دیوان، ص ۴۳۲)
در مثنوی «وصف کشمیر» گاهی یک مضمون با واژه‌ها و تعبیرات متفاوت بارها تکرار می‌شود، مانند این بیت:

ترنج مهر را تیغش بریده عجب کوهی! به گردون سرکشیده
(گ ۲۵۵ ب، بیت ۶)

که با بیت زیر یک مضمون دارد و هر دو اشاره به بلندی کوه است:

چو گندم سینه انجم شده چاک ز بس تیغش کشیده سر به افلاک

(گ ۲۵۵، بیت ۸)

با این همه گاه تعبیرات و توصیفات زیبایی در آن دیده می‌شود؛ از جمله بیت زیر که از شخصیت بخشی برخوردار است:

دود هر سو دکان عطر بر دوش نسیم از بوی گلها مست و مدهوش

(گ ۲۵۶، بیت ۳)

یا:

فضا دامن مرواریدساز است ز رفتارش صبا چینی نواز است

(گ ۲۵۷، بیت ۱۲)

در پایان این مثنوی شاعر به گله و شکایت از بخت و اقبال خود می‌پردازد:

مرا یک عقده از خاطر نشد باز... در این گلشن ولیک از بخت ناساز

(گ ۲۵۷ الف، بیت ۱۲)

گفتنی است شاعران بسیاری که به هند مهاجرت کرده بودند، در وصف کشمیر مثنویها سروده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به سلیم تهرانی (متوفای ۱۰۵۷ق) اشاره کرد: او نیز یک مثنوی در همین بحر سروده است که با این دو بیت آغاز می‌شود:

گواه پای برجا کوهسار است سخن هر جا ز صنع کردگار است

که تیغش می‌زند بر ابر شمشیر خصوصاً کوه گردون قدر کشمیر

(سلیم، دیوان، ص ۵۲۶)

۸. دیوان اشعار، که براساس نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی ۸۶۴ بیت دارد، اما مؤلف *قصص الخاقانی* (ج ۲، ص ۹۴) ابیات مدون او را از ده هزار بیت متجاوز می‌داند.

این دیوان شامل سه قصیده، ۱۵۶ غزل، تعدادی رباعی و تک‌بیتی است که قصاید شامل ۲۳۳ بیت به ترتیب در مدح امام علی (ع)، امام زمان (عج)، امام رضا (ع) است. قصاید تجلی، به شیوه زمان، ساده‌تر از غزلهای اوست و فهم آن احتیاج به تأمل چندانی ندارد. اطناب و تکرار مضمون در آنها چشمگیر است. ظاهراً انگیزه

وی در سرودن آنها پس از داعیه استادی در فن شاعری، ساز و سامان زندگانی و کسب ثواب اخروی بوده است.

رباعیات تجلی خالی از معانی تازه و بدیع نیست، اما نسبت به غزلیاتش ساده تر است:

آهم شفقی باشد و اشکم خونین در عشق ز سوز دل پرداغ حزین
شیرینم تلخ گشت تلخم شیرین دور لب او چه پرسی از نقل و میام

(گ ۳۰۲ الف، بیت‌های ۳-۴)

در مورد غزلیات، نکته قابل توجه این است که سه غزل آغازین توحیدی است و هر سه با واژه «زهی» آغاز می‌شود. مضمون غزلیات عرفانی، اخلاقی و اجتماعی است.

یادآور می‌شود اگرچه معمول ابیات غزل هفت تا چهارده بیت است، در دیوان تجلی غزلیاتی به چشم می‌خورد که تعداد ابیات آن کمتر از حد معمول بوده و گاهی به دو بیت نیز می‌رسد و این شیوه‌ای است که در بین گویندگان سبک هندی رایج بوده است.

در آخر دیوان، رباعیات و مفردات (تک بیتها) آمده است.

معرفی نسخ خطی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
از میان نسخه‌های پرشمار آثار علی‌رضا تجلی که در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود است، نسخه‌های زیر در دسترس قرار گرفت که اجمالاً به معرفی آنها می‌پردازیم:

نسخه کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

این نسخه بخشی از یک مجموعه است به شماره ۱۴۶۰۶/۷، در هفده برگ، شامل «معراج‌الخیال» ۲۵۱ بیت و «وصف کشمیر» ۱۰۵ بیت و در ادامه، «دیوان» با

شماره ۸/۱۴۶۰، شامل قصاید، غزلیات و بیتهای فرد است که مجموع آنها به ۸۶۴ بیت می‌رسد. (این نسخه پیش از این، در کتابخانه عبدالحسین بیات قرار داشته که گزارش آن در نشریه دانشگاه تهران به نقل از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی آمده است). تاریخ کتابت نسخه که در برگ انجام دیده می‌شود ۹۹۳ق، است که با توجه به شواهد و قراین موجود از جمله زمان حیات شاعر نادرست می‌نماید و به نظر می‌رسد ۱۰۹۳ق صحیح باشد.

نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی

الف. معراج الخیال. با شماره ۶۰/۸۹۰۴، بخشی از یک جُنگ با مطالب متفرق است، به خط نستعلیق، چلیپا، مجدول و مهذب و اشعار در حاشیه و متن نوشته شده است. در پایان این نسخه به خط کاتب این مطالب آورده شده است:

تمت ۲۰ جمادی الثانی مطابق سنه ۱۰۸۴ اربع و ثمانین و الف من الهجرة النبویة المصطفویة به حسب الامر مخدومی که شمه‌ای از فضایل حمیده و خصایل پسندیده و نام نامی و اسم گرامیش از این ابیات استنباط می‌توانست نمود:

معماری دلها شود از وی حاصل آن کاو به حریم کعبه دارد منزل
مؤمن به فدایش داده جان و سر و دل هم‌نام خلیل است و سماعیل
اگرچه خط این شکسته قابلیت این مجموعه نداشت، نهایتش اطاعت آن جناب را بر خود واجب و لازم داشته، سمعاً و اطعناگویان انگشت قبول بر دیده گذاشته به تحریر این مثنوی و تزیین این صفحات مبادرت نموده. هرزه‌گرد کشور نادانی و هرزه‌گوی محفل بی‌زبانی و مرکز دایره سرگردانی، محمد مؤمن مازندرانی عفی‌عنه.

این نسخه شامل ۲۴۷ بیت و پانزده عنوان است. گفتنی است نسخه مذکور هنوز در فهرست کتابخانه نیامده است.

ب. دیوان. با شماره ۴/۱۱۸۵، ۱۷۷ب-۱۹۲الف، تاریخ نگارش اواخر قرن

یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم هجری بوده است، به خط نستعلیق، و در صفحات ب رکابه دارد. کاتب خود را در پایان دیوان «درویش مولانا محبت» معرفی نموده است.

این نسخه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شود و شامل غزلیات و رباعیات است و یانصد بیت دارد.

نسخه‌های کتابخانه ملی ملک

الف. مثنوی «وصف کشمیر» و «دیوان» شامل قصاید و غزلیات و رباعیات به شماره ۵۴۰۳/۲۸. بخشی از یک مجموعه است با تاریخ ۱۱۰۰ق که به خط نستعلیق چهار ستونی تحریر شده است. در این نسخه، مثنوی «وصف کشمیر»، ۱۰۵ بیت و قصاید ۲۳۰ بیت قصیده آمده است و گزیده‌ای از غزلیات و رباعیات را نیز دارد که حدود ۱۳۹ بیت می‌شود.

ب. مثنوی معراج‌الخیال با شماره ۴۶۷۱/۵ و مثنوی «وصف کشمیر» با شماره ۴۶۷۱/۱۵، بی‌تاریخ از سده یازدهم هجری، به خط نستعلیق راسته، چلیبا، ۲/۱۵×۴/۲۴ است. معراج‌الخیال ۲۵۵ بیت و نه عنوان و «وصف کشمیر» ۱۰۷ بیت دارد.

پ. مثنوی معراج‌الخیال به شماره ۵۴۰۵/۶، بی‌تاریخ از سده دوازدهم به خط نستعلیق. هر برگ نوزده سطر در اندازه ۱۱/۹ × ۲۱ است. این نسخه ۲۵۵ بیت و هشت عنوان دارد که در فهرست نسخ خطی، نسخه ممتاز معرفی شده است.

نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

الف. مثنوی معراج‌الخیال به شماره ۲۴۶۵/۶۳ بخشی از یک مجموعه است به خط نستعلیق ریز. نویسنده آن، چنان‌که در صفحه ۲۰ این مجموعه آمده محمدقاسم است که در سال ۱۱۰۴ق آن را نوشته و به زر آراسته است و در صفحه ۱۵۹ از این مجموعه، خط نستعلیق و نسخ و رقاع محمد مقیم‌بن مرادخان حسینی مرعشی دیده می‌شود. این نسخه ۲۵۵ بیت و دوازده عنوان دارد.

ب. مثنوی *معراج الخیال*. به شماره ۵۴۰۰ با تاریخ ۱۰۱۴ق، جنگی هست شامل شعرهای فارسی «عرفی»، «سالم»، «اوجی»، «تجلی» و... به خط نستعلیق روی کاغذ فرنگی، در هر صفحه ۱۳×۱۸/۵ شامل ۲۱ سطر است. مثنوی «معراج الخیال» در متن این نسخه آمده و ۲۲۷ بیت و هفت عنوان دارد.

پ. مثنوی *معراج الخیال* به شماره ۲۵۹۱/۱۲۴ ضمن مجموعه‌ای است با تاریخ ۱۱۰۹ق به خط نستعلیق، از صفحه ۵۹۹ تا ۶۰۲ و ۲۵۰ بیت و یازده عنوان دارد.

شعر تجلی و ویژگیهای آن

اشعار تجلی، همچون شعر دیگر سرایندهگان این دوره، حول محور مضمون آفرینهای بدیع و خیالپردازیهای تازه است. صاحب *مخزن‌الغریب* در مورد شعر او می‌نویسد:

در قصاید و غزل و مثنوی داد فصاحت و معنیهای تازه داده، فکرهای بلند و قافیه‌های تنگ و ردیفهای غریب دارد و کسی که به سخن آشناست میدانند که قوت او به چه حد است (هاشمی، *مخزن*، ج ۱، ص ۴۲۱).

صاحب *طبقات اعلام شیعه* نیز در مورد هنر شاعری تجلی چنین گفته است:

تجلی علاوه بر آثار شعری، در فقه و کلام و تفسیر تألیفاتی دارد؛ اما شهرت شعری‌اش دیگر فضایل علمی وی را تحت الشعاع قرار داده است (آقابزرگ، *طبقات*، ج ۵، ص ۹۱).

اکثر شعرهای تجلی در قالب غزل است؛ به نظر می‌رسد مضامین غزل بیشتر با روحیه او سازگار است:

شاعران را رفت در دم جملگی شهرت به گرد

در غزل کلک تجلی تا سخن پرداز شد

(گ ۲۸۷ الف، بیت ۱۰)

خیالپردازیهای شاعر تصویرهای دور از ذهن زیبایی را در شعر او ایجاد کرده است:

فتد چون سایه‌ام بر خاک ره، شکل زره دارد

ز بس جسمم مشبکها از آن ناوک به زه دارد

(گ ۲۸۱ الف، بیت ۵)

محو شدن عاشق در معشوق در ادبیات کم‌سابقه نیست و در هر عصری به شیوه‌های زیبا بازگو شده، اما پارادکسی که شاعر در مصراع دوم بیت زیر آورده، آن را نغز و دلکش ساخته است:

عشق را نازم که تیغ او دو را یک می‌کند

جوهر هر تیغ جز یک را دو کردن بیش نیست

(گ ۲۸۴ الف، بیت ۸)

هر چند قالب غزل بیشتر در خدمت بیان عواطف، احساسات، عشق یا عرفان قرار می‌گیرد، تجلی گاهی برای بیان مضامین اخلاقی این قالب را به کار گرفته است، چنانچه در بیت زیر که یکی از ابیات غزل‌های اوست دنیا دوستی مذمت شده است. دیده‌اش بر مار پر نقش و نگار افتاده است

طالب دنیا ز زهر جانگدازش غافل است

(گ ۲۷۷ ب، بیت ۲)

یا بیت زیر که حرص و آز را مورد نکوهش قرار داده است.

دیده‌اش بر مار پر نقش و نگار افتاده است

مردم نادان دواي حرص از زر کرده‌اند

(گ ۲۸۰ الف، بیت ۸)

از دیگر مضامین شعر تجلی، سوزوگدازهای عاشقانه در بیان احوال شخصی اوست که در بیت زیر دیده می‌شود:

چو خار خشک مژگانم سفید از گریه کردن شد

بیا کز دوریت در چشم پر خون اشک خرمن شد

(گ ۲۸۲ ب، بیت ۴)

شعر تجلی از زیباییهای کلامی خالی نیست. از آنجا که شاعر از پیروان سبک

هندی است شعرش مشحون از صنایع ادبی است که در ذیل به چند مورد از این صنایع اشاره می‌شود:

- تلمیح. بسامد تلمیح در شعر تجلی قابل توجه است، به خصوص تلمیح به داستانهای سامی نظیر داستان موسی، یعقوب، یوسف و... که بیت زیر نمونه‌ای از آن است:

گاه آب ذوالفقار حیدر است گه ید بیضا و گاهی اژدر است
(گ ۲۵۱ الف، بیت ۴)

- مراعات النظر. این آرایه نیز در شعر تجلی کاربرد بسیار دارد و نکته قابل توجه این است که بیشتر مراعات النظر در شعر وی در یک مصراع گنجانده شده‌اند:

یاره و خلخال و طوق بهر عروس بهار هر طرف آماده کرد ابر ز قوس قزح
(گ ۲۶۵ الف، بیت ۱)

- غلو. از دیگر صنعت‌های ادبی که شاعر در شعر خود بسیار به کار برده آرایه غلو است که همچون دیگر شاعران هم‌سبک خویش با کمک این صنعت معانی ساده و آشکار و تکراری را به معانی پیچیده و دور از ذهن تبدیل نموده است. نمونه: شبنمی دریای آتش می‌شود چون شرار عشق سرکش می‌شود

(گ ۲۵۳ الف، بیت ۱۰) - تمثیل. این صنعت از مهم‌ترین صنایع ادبی است که در شعر سبک هندی به کار می‌رود و حتی از ویژگی‌های شعری این دوره به حساب می‌آید. تجلی نیز از این آرایه در اشعار خود بسیار استفاده کرده است: خار چون در پیرهن باشد بر اعضا آتش است

گر دهی خصم زبون را ره به خود گردد قوی
(گ ۲۷۵ ب، بیت ۱۰)

- تشبیه. تشبیه نیز بیش از سایر جنبه‌های بیان در شعر او نمود دارد به خصوص

تشبیهات بلیغ:

خشک شد زاینده رود خواهشم دور کرد از سر هوس را کاهشم

(گ ۲۴۳ الف، بیت ۲)

- استعاره. همچنین شاعر از انواع استعاره در مواقع لازم بهره برده است:

بوسه بر لب می تپد بی اختیار از خیال آن دو لعل آبدار

(گ ۲۴۴ الف، بیت ۱۲)

- کنایه. بیشتر کنایاتی که تجلی در اشعارش به کار برده، کنایات فعلی است:

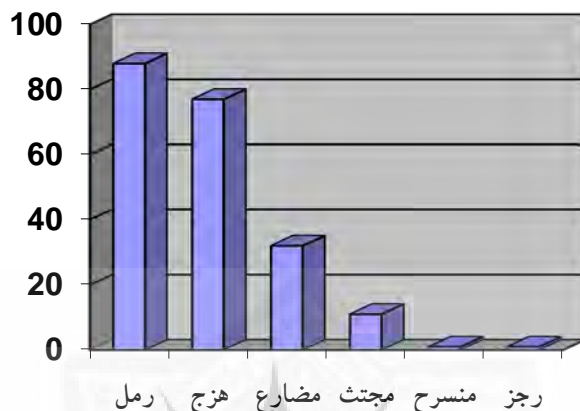
پشت پای زنی به بخت خفته ام من هم از عشق بتی آشفته ام

(گ ۲۵۰ ب، بیت ۹)

وزن شعر

شاعر از بین اوزان شعر، وزنی را که با محتوای شعرش هماهنگ باشد انتخاب می کند که البته معمولاً این انتخاب آگاهانه نیست.

تجلی مثنوی معراج الخیال را که مضمونی عرفانی دارد، در بحر رمل سروده که انتخاب این وزن طبیعی و مناسب است و مثنوی «وصف کشمیر» را در بحر هزج سروده که باز وزن و محتوا تناسب دارند. همچنین قصیده اول را در بحر رمل و قصیده دوم را در بحر مضارع، اما قصیده سوم را در بحر منسرح سروده که وزنی شاد است و چندان مناسب قصیده نیست و به نظر می رسد شاعر از عشق به امام رضا (ع) به وجد آمده که از این وزن استفاده کرده است. غزلیات وی نیز بیشتر در بحر رمل و هزج سروده شده که هر دو از اوزان پرکاربرد شعر فارسی است. بسامد بحور عروضی که تجلی در شعر خویش به کار برده، در نمودار زیر مشخص شده است:



قافیه و ردیف

در سبک هندی تکرار قافیه مخصوصاً در غزل بسیار مشهود است. در شعر تجلی این تکرار هم در غزل و هم در قصیده بارها کاربرد دارد. چنان‌که پیش از این بیان گردید، تجلی سه قصیده دارد که در این قصاید دو یا سه بار تجدید مطلع کرده و در هر سه از قافیۀ «ار» استفاده نموده که از ساده‌ترین قافیه‌هاست و از میان قصاید او تنها یک قصیده ردیف دارد. شاعر در قصیده نخست که در مدح علی (ع) است، واژه «گل» را ردیف قرار داده که انتخاب این واژه در جایگاه ردیف اسمی نشانه توانایی شاعر است و سبب شده است که وی در بیشتر ابیات تشبیهاتی بیاورد که گل مشبّه به آن قرارگیرد و در نتیجه کلام وی خیال‌انگیزتر و مؤثرتر شود.

تا زند از زخم کاری بر سر کفار گل روز کین چون ذوالفقارش سر برآرد از غلاف
ریزد اندر صحن میدان سر چو در گلزار گل کاسه‌های سر به رنگ غنچه از هم وا شود
چون سبدهایی که دارد بر سر بازار گل در صف میدان سپر گردد پر از دل‌های چاک
(گ ۲۶۰ الف، بیت‌های ۸، ۹ و ۱۱)

دو قصیده دیگر را بدون ردیف آورده است.

در غزلیات نیز تکرار قافیه بسیار است؛ مانند نمونه زیر:

صرف دریا کرد گرداب آنچه از دریا کشید
دیده‌ام در کار دل کرد آنچه از دل وا کشید
شد نگه هر خون که ابر چشم از دریا کشید
شوق دیدار تو نم نگذاشت در مژگان من
می توان امشب گلاب از سایه مینا کشید

می کند شمع رُخت در بزم گلریزان رنگ
(گ ۲۸۳ الف، بیت‌های ۸-۱۰)

در غزلیات قافیه‌هایی چون «ا» و «ار» و «ان» بیشترین بسامد را دارد و همچنین ردیفهای فعلی مفرد مثل باشم، آید، افتد و... کاربرد بیشتری دارد که این ردیفهای فعلی باعث شده جملات دستورمندتری ساخته شود و به سلامت زبان آسیب نرسد.

شاعران هم‌عصر تجلی

میرزا علی‌رضا تجلی، از میان شاعران زمان خود از صائب (متوفای ۱۰۸۰ق) و عرفی شیرازی (متوفای ۹۹۹ق) یاد می‌کند و از شعر ایشان استقبال نموده، گاهی شعرشان را تضمین کرده است.

«نگین را در فلاخن می‌نهد بی تابی نامم» از تجلی این جواب آن غزل باشد که صائب گفت (گ ۲۹۴ ب، بیت ۸)

«روی دریا سلسبیل و قعر دریا آتش است» از تجلی جوی مثل آن که عرفی گفته است: (گ ۲۷۵ الف، بیت ۴)

«تا به لب می‌رسد از ضعف نفس می‌گردد» ناله زار تجلی است که عرفی می‌گفت (گ ۲۸۳ الف، بیت ۴)

از دیگر شاعران هم‌عصر تجلی، محمد شریف تجرید اصفهانی است که از کدخدازادگان اصفهان بوده و در این شهر به تحصیل علوم و کتابت می‌پرداخته است. وی خط نستعلیق را خوب می‌نوشته و در مدارس به کتابت قرآن و صحیفه اشتغال داشته است (نصرآبادی، تذکره، ص ۳۹۸).

تجلی از میان معاصران خود به تجرید بسیار علاقه داشته، چنانکه برخی از اشعار او را تضمین کرده است:

«مستی از ما بود و می در جام دریا ریختند» ای تجلی شعر از تجرید ما بشنو که گفت (گ ۲۸۷ الف، بیت ۲).

امیرحسین عابدی در مقاله‌ای (۱۹۶۰) می‌نویسد: «چون تجرید از ایران به هند و بنگاله رفت، تجلی در فراق وی بی‌تاب گشت و گفت:

تا تجلی‌بخش تجریدم سوی بنگاله شد

در خراب‌آباد ایران هستی‌ام بر باد رفت

نتیجه‌گیری

اگرچه میرزا علی‌رضا تجلی شیرازی از شعرای قدر اول سبک هندی محسوب نمی‌شود و شعر و آثار قلمی‌اش همچون آثار دیگر بزرگان این سبک، از جمله صائب، کلیم و... محبوبیت و مقبولیت عام نیافته، نمی‌توان او و آثارش را نادیده گرفت و نسبت به آن بی‌اعتنا بود؛ چرا که هر یک از این آثار گویای بخشی از فرهنگ و ادب ماست و به قطعات کوچک اما تأثیرگذار جورجینی می‌مانند که تصویری کامل و دقیق از گذشته فرهنگی ایران به دست می‌دهند.

پی‌نوشتها

۱. نشانی ابیات در تمام موارد بر اساس نسخه شماره ۸-۱۴۶۰۶/۷ کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی است.

۲. حسین بن محمد بن حسین اصفهانی (۱۰۱۶-۱۰۹۹ق) از شاگردان معروف میرفندرسکی از مشاهیر و علمای معروف زمان صفوی، است. خوانساری از حکما و متکلمین و محدثان و فقهای بزرگ عهد خود بود و به سبب اهمیتی که در حوزه‌های علمی یافت، به محقق خوانساری شهرت یافت. وی در دوران پادشاهی شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) اعتبار بسیار، و بر شخص سلطان نفوذ فراوان داشت و این ارجمندی را دستمایه ترویج دانشهای عقلی و حمایت از حکمت و حکیمان قرار داد. وفاتش به سال ۱۰۹۸ق در اصفهان اتفاق

افتاد و او را در تخت فولاد، در تکیه‌ای منسوب به او، به خاک سپردند. خوانساری شعر پارسی هم می‌سرود؛ از اوست:

از طوف کدماين کف پا می‌آیی ای باد صبا طرب فزا می‌آیی
ای گرد به چشم، آشنا می‌آیی از کوی که برخاسته‌ای راست بگوی

(صفا ۱۳۷۳: ۳۱۴/۵)

۳. سُبُورغال: انعام، تیول و زمینی که پادشاه برای معیشت به ارباب استحقاق بخشد (دهخدا، لغتنامه).

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۳۳۲، *الذریعه الی تصانیف شیعه*، ج ۹، تهران.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، *طبقات اعلام شیعه*، ج ۵، قم.
- استوری، چارلز، ۱۳۶۲، *ادبیات فارسی بر مبنای استوری*، ج ۱، ترجمه یحیی آریین‌پور و دیگران، تهران.
- اصلح، میرزا، ۱۳۴۶، *تذکره شعرای کشمیر*، به تصحیح سید حسام‌الدین راشدی، کراچی.
- افشار، ایرج و دانش‌پژوه، محمد تقی، ۱۳۶۹، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۸، مشهد.
- ایمان، رحم‌علی خان، *منتخب اللطایف*، تصحیح حسین علیزاده، و مهدی علیزاده، تهران، ۱۳۸۶.
- دانش‌پژوه، محمد تقی، ۱۳۴۰، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، ج ۱۱ و ۱۴ و ۱۵، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه*، تهران.
- سلیم تهرانی، محمد قلی، *دیوان اشعار*، به کوشش رحیم رضا، تهران، ۱۳۴۹.
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی، *قصص الخاقانی*، به کوشش سید حسن سادات ناصری، تهران، ۱۳۷۴.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۳، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران.
- عابدی، امیر حسن، ۱۹۶۰م. «علی‌رضا اردکانی»، *ایندو ایرانیکا*، ص ۱۰-۱۶.
- گلچین معانی، احمد، ۱۳۶۹، *کاروان هند*، مشهد.
- مؤتمن، زین‌العابدین، ۱۳۳۹، *تحول شعر فارسی*، تهران.
- مجموعه رسائل فارسی، گروه تصحیح متون معارف اسلامی، زیر نظر نجیب مایل‌هروی، مشهد، ۱۳۷۲.

- مدبری، محمود، ۱۳۶۴، فرهنگ کتابهای چاپی فارسی، تهران.
- مرعشی نجفی، سید محمود، ۱۳۸۷، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، قم.
- مشار، خان‌بابا، ۱۳۵۱-۱۳۵۳، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران.
- منزوی، احمد، ۱۳۴۸-۱۳۵۱، فهرست نسخه‌های خطی، ج ۱-۴، تهران.
- منزوی، احمد، ۱۳۸۳، فهرست‌واره کتابهای فارسی، تهران.
- نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، با تصحیح و مقابله وحید دستگردی، تهران.
- واله داغستانی، علی‌قلی، تذکره ریاض الشعرا، مقدمه و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران، ۱۳۸۴.
- وحشی بافقی، دیوان/شعار، تصحیح و مقدمه اسماعیل شاهرودی (بیدار)، تهران، ۱۳۷۳.
- هاشمی سندیلوی، احمدعلیخان، تذکره مخزن الغرایب، ج ۱، لاهور، ۱۹۶۸.